

اهداف و کارکردهای کنسولگری روسیه در رشت نیمه دوم عصر قاجاریه

عبدالرسول خیراندیش، اعظم رحیمی جابری *

استاد دانشگاه شیراز، دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه شیراز

تاریخ دریافت: (۹۵/۰۱/۰۳) تاریخ پذیرش: (۹۵/۰۴/۱۳)

The Objectives and Functions of the Russian Consulate in Rasht second half of the Qajar Era

Abdulrasul kheirandish, Azam Rahimi Jaberi

Professor at Shiraz University, Ph.D student of Islamic History at Shiraz University

Received: (2016/03/22)

Accepted: (2016/07/03)

Abstract

Great game or competition between imperial expansionists, Russia and Britain, in the nineteenth century, to get the thorough control of the Central Asia, was the fact that Iran was unwillingly involved in it. Strategy, rules and tactics of the game, which are defined over the period of time and changed in terms of conditional requirements, including the establishment of political representatives and consulates of the two powers in Iran. In the Qajar era, governments of Britain and Russia, after the establishment of the political representatives in Tehran, due to their benefits, attempted to inaugurate gradually the consulate in the city of Rasht which in the beginning of the twentieth century changed into the widespread networks throughout the country. The current study, through application of historical, descriptive, and analytical approaches as well as using library resources and archival documents, examines the causes of the establishment of the consulate in Rasht and functions assigned to it. This study shows that the inauguration of the consulate in Rasht by England or Russia are more due to the political and strategic goals of these two governments than any other elements.

Keywords: Great game, Qajar, Consulate of Russia, Rasht, British Consulate.

چکیده

بازی بزرگ یا رقابت دو امپراتوری توسعه‌طلب روسیه و انگلیس در قرن نوزدهم برای سروری بر آسیای مرکزی، واقعیتی بود که ایران ناخواسته درگیر آن شد. استراتژی، قواعد و تاکتیک‌های این بازی که در طول زمان تعریف و به تناسب شرایط دستخوش تغییر شد، شامل تأسیس نمایندگی سیاسی و کنسولگری‌های این دو قدرت در ایران نیز می‌شد. در عصر قاجار دولت‌های انگلیس و روسیه پس از تأسیس نمایندگی‌های سیاسی در تهران، برای تأمین منافع خود، به افتتاح تدریجی کنسولگری در شهر رشت مبادرت ورزیدند که تا آغاز سده بیستم به شبکه‌هایی گسترده در سطح کشور تبدیل شدند. پژوهش حاضر به بررسی علل تأسیس کنسولگری در رشت و کارکردهای آن می‌پردازد. این مطالعه نشان می‌دهد که افتتاح کنسولگری در رشت از سوی انگلیس یا روسیه، بیش از هر چیز از اهداف سیاسی - راهبردی این دو دولت ناشی می‌شد.

واژه‌های کلیدی: بازی بزرگ، قاجار، کنسولگری روسیه، رشت، کنسولگری انگلیس.

۱. طرح مسئله

آغاز روابط گسترده ایران با دولت‌های اروپایی به دوره صفوی بازمی‌گردد که به دنبال تحولات جدید در اروپا و با رشد نظام بورژوازی سراسر جهان تبدیل به عرصه کشاکش‌های دول استعماری شد. این رقابت‌ها در این برهه زمانی بیشتر رقابتی بازرگانی برای کسب سود، افزایش سرمایه و تأمین مواد اولیه بود. رقابت این دولت‌های استعماری از اواخر قرن نوزدهم وارد مرحله جدیدی شد. بزرگترین ویژگی این دوره، دسته‌بندی‌های سیاسی و نظامی بود که در اروپا شکل گرفت و بر آن عصر امپریالیسم اطلاق شد.

در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم سرزمین ایران به صحنه رقابت انگلیس، روسیه و آلمان تبدیل شده بود. روس‌ها و انگلیسی‌ها در تقابل با هم در مناطق نفوذ خود در ایران به استحکام موقعیت خود می‌پرداختند و از طریق قراردادهای استعماری، کاپیتولاسیون، تجارت، نظامیان، و مسیون‌های مذهبی برای گستردن نفوذ خود بهره می‌بردند. کنسولگری‌ها نیز در این زمینه نقش مؤثری داشتند. پژوهش پیش رو، با روش تاریخی و رویکرد توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع تاریخی و اسناد آرشیوی، از رهگذر بررسی کنسولگری روسیه در رشت، به رقابت این دولت با دیگر دولت‌های امپریالیستی در جنوب دریای مازندران می‌پردازد و قصد یافتن پاسخ این پرسش را دارد که کنسولگری روسیه در رشت براساس چه اهدافی تشکیل شد و دارای چه کارکردی بود؟

در منابع تاریخی، توجهی خاص به طراحان، تصمیم‌گیرندگان عالی رتبه و نهایتاً رؤسای هیئت‌های دیپلماتیک روسیه و انگلیس در تهران به چشم می‌خورد. این در حالی است که بررسی نقش کنسول‌های دو دولت، مغفول مانده؛ بنابراین هدف این پژوهش، تبیین کارکردها، سازوکارهای اجرایی و میزان نفوذ کنسولگری‌های روسیه و انگلیس در شهر رشت است.

۲. موقعیت جغرافیایی رشت

رشت در دوره سلطنت شاه عباس اول صفوی، به علت موقعیت ممتاز بازرگانی به مرکزیت گیلان انتخاب شد.

درباره موقعیت جغرافیایی شهر رشت باید گفت که حدود ۹ درصد از سطح استان را در بر می‌گیرد. راینو که در دوره قاجار به ولایات ساحلی دریای کاسپین سفر کرده بود، در یادداشت‌های خود نوشته است که شهر رشت که ناحیه مرکزی گیلان است، از سمت شمال به دریای کاسپین و تالاب انزلی، از سمت غرب به تولم و فومن، از جنوب به شفت و از سمت شرق به رودخانه سفید رود و کوچصفهان محدود می‌شود (راینو، ۱۳۶۹: ۶۶). درباره وجه تسمیه رشت سخن بسیار است که در *لغت‌نامه* دهخدا کلمه رشت (ماده تاریخ احداث این شهر) به حساب ابجد، سال ۹۰۰ق که سال ساخت این شهر بوده، دانسته شده که به اعتقاد بسیاری از محققین گیلانی این نظریه صحیح نبوده است (دهخدا، ۱۳۶۴: ۲۶ / ۴۴۶) زیرا که نام رشت در کتاب *حدودالعالم من المشرق و المغرب*، جزو یازده ناحیه بزرگ "آنسوی رودیان" یا گیلان غربی "بیه پس" شمرده شده و از اینجا معلوم می‌شود که این شهر در اواخر دوره ایران باستان وجود داشته است. اخیراً در یک بررسی پژوهشی در زمینه معانی لغوی رشت و وجه تسمیه آن که درست‌تر به نظر می‌رسد، آمده است: «رشت، از نظر لغوی یک اسم مرکب است. از دو جزء رش + ت؛ در گویش گیلکی به معنای باران ریز و مداوم می‌باشد که از آن در گویش گیلکی به وارش یا بارش یاد می‌کنند که در این صورت، رشت یعنی مکانی که در آنجا، باران‌های ریز و مداوم می‌بارد که این درواقع همان خصوصیت اصلی این شهر سرسبز می‌باشد» (گیلان‌نامه، ۱۳۷۱: ۳ / ۳۲). ملگونف جهانگرد روس که در حدود سال‌های ۱۲۷۵ق به رشت سفر کرده است، ویژگی‌های شهر رشت را به خوبی برشمرده: با خانه‌های زیبا رو به دریا که بازرگانان از هند، بخارا، روم و عثمانی به، سودای ابریشم، به آنجا سفر می‌کردند (ملگونف، ۱۳۶۴: ۱۸۷). همچنین الکساندر خودزکو که در دهه ۱۸۳۰م، در عصر سلطنت محمدشاه قاجار، به عنوان کنسول روسیه در رشت خدمت می‌کرد، می‌نویسد: رشت در زمان سلطنت شاه عباس اول از موقعیت خوبی برخوردار شده بود و فاصله تقریباً برابر با

مازندران فعال شود. اهمیت منطقه باعث شد هیئت‌های مختلف نظامی و سیاسی انگلستان به منطقه اعزام شوند، تا راهی جهت کاهش نفوذ روسیه در منطقه بیابند. روس‌ها از زمانی که امپراطوری تزاری را تشکیل دادند، اقدام به گسترش قلمرو نفوذ در بخش‌های مختلفی از آسیا نمودند. تا زمانی که دولت مرکزی ایران قدرتمند بود، روس‌ها توان دستیابی به سرزمین‌های آسیای مرکزی و قفقاز را نداشتند اما با فروپاشی دولت صفویه و حاکم شدن نامنی و هرج و مرج در ایران، آنها نیز مرزهای ایران را در آسیای مرکزی، دو طرف خزر و قفقاز، مورد تجاوز قرار دادند. در سال ۱۷۲۴م / ۱۱۴۲ق پتر کبیر به ایران حمله کرد و گیلان مدتی تحت اشغال روسیه بود. با ظهور نادر، روس‌ها مجبور به تخلیه سرزمین‌های اشغالی شدند. فشار روسیه به ایران، با آغاز سلطنت کاترین دوم، به مراتب افزایش یافت تا آنجا که به جنگ‌های تهاجمی علیه ایران دست زد. ابتدا در سال ۱۷۹۶م و سپس در سنوات ۱۸۰۰-۱۸۱۳م / ۱۲۱۸-۱۲۲۸ق به این کشور تاخت. در سال ۱۲۴۱-۱۲۴۳ق / ۱۸۲۶-۱۸۲۸م بار دیگر روسیه به ایران هجوم آورد و آتش جنگ جدیدی را در این سرزمین دامن زد. این جنگ‌ها به این منجر شد که ایران تدریجاً ایالات غنی و حاصلخیز شمال غربی خود، از جمله هفده شهر قفقاز، را از دست بدهد. با انعقاد قرارداد ترکمانچای، دولت قاجار تحت‌الحمایه روس‌ها قرار گرفت. این در حالی بود که قدرت روسیه، امپراطوری عثمانی را مورد تهدید قرار داده و در اروپا نیز به پیشرفت‌هایی دست زده بود. ظهور این قدرت استعماری در مغایرت با منافع سایر قدرت‌های استعماری، از جمله انگلستان، قرار می‌گرفت (شمیم، ۱۳۷۰: ۹۲). پیشروی و توسعه‌طلبی روسیه از دید انگلیسی‌ها پنهان نماند و سرآغاز یک رشته رقابت‌های طولانی در منطقه گردید (آدمیت، ۱۳۶۲: ۶۰۰).

۵. رقابت روس و انگلیس در تأسیس کنسولگری در رشت

پیشروی نظامی روسیه در قفقاز و حضور فرصت‌طلبانه اما کوتاه مدت فرانسوی‌ها در ایران، در دوران قاجاریه، به همراه تغییر ماهیت مناسبات ایران و بریتانیا، پیش‌درآمدی برای بازی بزرگ شد. هنگامی که روسیه براساس عهدنامه

خاک روسیه داشت. کاروان‌ها از قزوین که به صورت انبار کالای ایران در آمده بود، در فاصله شش روز به رشت می‌رسیدند و راه پیر بازار که فاصله آبی مناسب با بندر انزلی داشت، به آنجا می‌رفتند (خودزکو، ۱۳۵۴: ۲۳).

۳. تعریف کنسول و کنسولگری

کنسول (consul): مأمور غیرسیاسی دولت فرستنده در کشور پذیرنده است که از نظر رتبه در طبقه دوم رؤسای پست‌های کنترلی، یعنی پس از سرکنسول، قرار دارد. کنسول ممکن است از مأموران رسمی دولت خود و یا از اتباع آن دولت ولی مقیم خارج و یا در موارد استثنایی از اتباع کشور پذیرنده باشد. کار کنسول‌ها فقط تأمین منافع اتباع دولت خود، رسیدگی به امور مدنی و احوال شخصی آنها است.

کنسولگری (Consulate): واحد اداری که یک دولت برای حفظ حقوق و منافع خود در مرکز تجاری و بنادر یک دولت دیگر دایر می‌کند. کنسول با مقامات محلی سروکار دارند و به امور سیاسی که از وظایف سفارتخانه است، دخالت ندارند. محل کنسولگری و شخص کنسول از مصونیت و حقوق برون مرزی برخوردارند.

۴. رقابت‌های امپریالیستی و بازتاب آن در جنوب دریای مازندران

تاریخ ایران معاصر متأثر از رقابت‌های سیاسی و اقتصادی قدرت‌های بزرگ است، به همین جهت به نظر می‌رسد که تحولات ایران طی صد و پنجاه سال گذشته، به خاطر جریانات سیاسی بین‌المللی و مبارزه با قدرت‌های بزرگ جهانی بوده است. در کشمکش جدی قدرت‌های بزرگ برای نفوذ در ایران، دو قدرت اصلی، یعنی روسیه و انگلیس، در سرتاسر قرن نوزدهم و قسمت اعظم قرن بیستم در عرصه سیاست این کشور نقش ثابت و پایداری داشته‌اند؛ ایران با دو همسایه‌اش، روس و انگلیس، با کشور اول از طریق مرزهای مشترک و با دومی از راه مستعمره هندوستان، همسایگی داشت. پیشروی روس‌ها در آسیای مرکزی و رسیدن به مرزهای هندوستان باعث شد دیپلماسی حکومت انگلستان در ولایات جنوبی دریای

موفق به ایجاد شبکه‌ای از مأمورین خود در ایالات و شهرهای جنوب دریای مازندران شده بود.

تحركات روسیه در شمال ایران موضوعی نبود که انگلیس از آن ناآگاه یا نسبت به آن بی تفاوت بماند. در واقع اطلاع لندن از اقدامات روسیه در شمال ایران، از طریق نمایندگی سیاسی بریتانیا در تهران، ادامه داشت. با وجود این، تحركات روسیه در شمال ایران و آسیای میانه گسترده‌تر از آن بود که گزارش‌های غیرمنظم این مأمورین یا سفرنامه‌های سیاحان پاسخگوی نیاز اطلاعاتی انگلیس باشد. کنسول آبوت در دومین سفر خود به ولایات جنوب دریای خزر، با مشاهده پیشروی روسیه و استقرار بحریه آن کشور در آشوراده، نمایندگی سیاسی انگلیس در تهران را از لزوم استقرار دائم یک کنسول در این مناطق آگاه کرده بود (۱۲۶۳ و ۱۲۶۴ق/ ۱۸۴۷ و ۱۸۴۸م). مشی مداخله‌جویانه روسیه و تحمیل‌اتش به دولت ایران در همان سال‌ها، مفاهمه و تعامل بیشتر تهران و لندن را در پی داشت. از همین روی، تقاضای وزیرمختار انگلیس برای تأسیس کنسولگری در ولایات جنوب دریای مازندران، با شرایط زیر مورد موافقت ایران قرار گرفت: کنسولگری فقط در رشت و استرآباد تأسیس شود؛ اعضای کنسولگری از ۱۰ نفر تجاوز نکند؛ محل استقرار کنسول، محل بست‌نشینی نشود؛ کنسول بریتانیا یک سال پس از توافق نهایی دولتین در شهرهای مذکور مستقر شود (۱۲۶۹ق/ ۱۸۵۲م) (سپهر، ۱۳۳۷: ۳/ ۲۳۶).

شروط مذکور حاکی از این واقعیت است که تهران، به رغم استقبال از افتتاح کنسولگری انگلیس برای جلوگیری از اقدامات و مداخلات سن پترزبورگ در ایالات شمالی، از یک سو از گسترش نفوذ انگلیس در ایالات جنوب دریای مازندران واهمه داشت و از سوی دیگر از واکنش روسیه نیز در بیم بود. به هر صورت، دولت‌های انگلیس و روسیه، پس از تأسیس نمایندگی‌های سیاسی در تهران، برای تأمین منافع خود به افتتاح تدریجی کنسولگری و نمایندگی‌های کنسولی در شهر رشت مبادرت ورزیدند که تا آغاز سده بیستم به شبکه‌هایی گسترده در سطح کشور تبدیل شدند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۴۱۷-۴۱۹). پاسخ دولت ایران به این اقدام و نیز گسترش فعالیت‌های اقتصادی اتباع بیگانه، افتتاح کارگزاری‌های وزارت امور خارجه در شهرهای تجاری

ترکمانچای (۱۲۴۳ق/ ۱۸۲۸م) که ایران را از داشتن نیروی دریایی در دریای مازندران محروم کرده بود، با اشغال جزیره ایرانی آشوراده، در دهانه خلیج استرآباد، پایگاهی دریایی در آنجا بر پا کرد تا از دزدی دریایی در دریای مازندران و سواحل جنوبی آن جلوگیری کند، سریعاً توجه نمایندگی سیاسی انگلیس در تهران به تحركات روس‌ها جلب شد.

توجه انگلیس به تحركات روسیه در جنوب شرق دریای مازندران با گزارشی از سر جان مک‌نیل (Sir J. McNeill) درباره اشغال آشوراده به وسیله بحریه روسیه، آغاز شد. او در ۱۲۵۸ق/ ۱۸۴۲م لندن را از تصمیم خود برای اعزام مأموری مورد اعتماد به سواحل جنوبی دریای مازندران آگاه کرد. این مأمور می‌بایست اوضاع منطقه و اقدامات روس‌ها را به نمایندگی سیاسی انگلیس گزارش دهد. این مهم به کنسول ک.ا. آبوت (K. E. Abbott) محول شد. وی به دنبال سفری طولانی (۱۲۵۸-۱۲۶۰ق/ ۱۸۴۳-۱۸۴۴م) که از تبریز و غرب گیلان شروع و تا ترکمن صحرا در استرآباد ادامه یافت، در گزارشی مشروح و جامع نمایندگی سیاسی را از شرایط حاکم بر ایالات جنوب دریای مازندران و اقدامات روسیه در آن مناطق و نیز در دریای مازندران آگاه کرد (۱۲۶۰ق/ ۱۸۴۴م) (Abbott, 1844: 167).

اما به زودی تغییر استراتژی لندن که به شکل اقدام نظامی انگلیس در جدایی هرات از ایران و متعاقب آن قطع روابط دو کشور جلوه‌گر شد، موقتاً مانع از اقدامات بعدی نمایندگی سیاسی انگلیس شد. پس از تجدید روابط، لندن با اعزام یکی از وابسته‌های نمایندگی، تایلور تامسون (T. Thomson)، به منطقه، موفق به ملاقات با خوانین ترکمن و برقراری ارتباط با آقاخان که ریاست یکی از طوایف ترکمانان یموت را برعهده داشت، شد (۱۲۶۲ق/ ۱۸۴۶م). این در حالی بود که پس از اشغال جزیره آشوراده به وسیله بحریه روسیه، کمپانی تجاری مسکوی نماینده خود را در آن جزیره مستقر کرده بود. آنگاه سن پترزبورگ، به بهانه حفظ منافع تجاری خود، موافقت ایران را برای تأسیس کنسولگری دائم روسیه در ولایات جنوبی دریای مازندران، از جمله شهر رشت، جلب کرد (۱۲۶۴ق/ ۱۸۴۸م) (کاظم‌بیگی، ۱۳۸۹: ۱۱). بدین ترتیب روسیه چند دهه پس از امضای عهدنامه ترکمانچای

و بازردارنده در قبال پیشروی‌های روسیه یا گسترش مناسبات تجاری و نفوذ سیاسی بریتانیا در منطقه ایفا کند. دیپلماتیک انگلیس در ایالات جنوب دریای مازندران، با فراز و نشیب همراه بود، تا اینکه لندن در جمادی‌الاول ۱۳۰۷ / ۱۸۹۰م کنسولگری خود در رشت را به نایب کنسولگری (ویس کنسولگری) تنزل درجه داد. این به مفهوم تسلیم ضمنی در برابر سروری روسیه در مناطق مذکور بود. چند سال بعد، هنگامی که لندن برای پایان دادن به بازی بزرگ به امضای توافقنامه ۱۳۲۵ق/ ۱۹۰۷م با روسیه تن داد، در واقع اعلان رسمی همین تسلیم بود، زیرا توافقنامه مذکور منافع و نفوذ سن‌پترزبورگ را در مناطق شمالی ایران به رسمیت می‌شناخت. با وجود این، در میان نایب کنسول‌های انگلیس در ایالات جنوب دریای مازندران، ه. ل. رابینو را باید شخصیتی استثنایی دانست. وی، افزون بر سفرها و مطالعات نظری و میدانی خود در منطقه، کوشید که از طریق به خدمت گرفتن افراد محلی، فعالیت نایب کنسولگری رشت را توسعه دهد. ولی نمایندگی سیاسی در تهران، برای اجتناب از تحریک روسیه، از اقدام او استقبال نکرد (کاظم‌بیگی، ۱۳۸۴: ۲۰۲-۲۰۶). تشکیلات جدید نایب کنسولگری انگلیس در ایالات جنوب دریای مازندران تا پایان سلطنت قاجاریه (۱۳۴۴ق / ۱۳۰۴ش)، در حالی که کار خود ادامه داد که با انعقاد پیمان دوستی ایران- شوروی در ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ / اسفند ۱۲۹۹، مناسبات دو کشور وارد مرحله جدیدی شد که به رغم فراز و نشیب در عصر پهلوی جایی برای حضور انگلیس در شمال ایران باقی نگذارد و سرانجام کنسولگری انگلیس در ۳ ژانویه ۱۹۳۳ تعطیل شد (رابینو، ۱۳۶۳: ۱۴۳).

۶. کنسولگری روسیه در رشت

کنسول‌خانه امپراتوری روس در رشت، قدیمی‌ترین کنسول‌خانه‌ای بود که در ایران تأسیس شد. به گزارش نیکتین، پترکبیر در زمان سفارت وولینسکی در سال ۱۷۱۷م قراردادی با شاه سلطان حسین منعقد ساخت که به موجب آن، روسیه اجازه تأسیس کنسولگری را در گیلان به دست آورد. در آن زمان کنسولگری روس در رشت بود اما کنسول در بندر انزلی اقامت داشت و این بندر، کوتاه‌ترین راه قفقاز به

داخلی بود تا از این طریق، ضمن اطمینان از رعایت معاهدات دو جانبه، از منافع ملی و نیز منافع اتباع خود پاسداری کند (کاظم بیگی، ۱۳۸۴: ۲۴۸).

۵-۱. نظارت کنسولگری انگلیس بر اقدامات روسیه در رشت

با انعقاد معاهده صلح ایران - انگلیس در پاریس (۷ رجب ۱۲۷۳ / ۴ مارس ۱۸۵۷) و بهبود مناسبات دو دولت، از لحاظ نظری راه برای افتتاح کنسولگری انگلیس در ایالات جنوبی دریای مازندران هموار شد (سپهر، ۱۳۳۷: ۳/ ۳۵۵). در واقع، انگلیس به رغم فقدان تجارت مستقیم با اتباع متعدد، مصرانه برای تأسیس کنسولگری کوشش کرد تا از طریق آن اقدامات روسیه در شمال ایران راه که از منظر حفظ هندوستان و نیز سیاست‌های انگلیس در آسیای مرکزی اهمیت راهبردی چشمگیری داشت، تحت نظر بگیرد. با استقرار کاپیتان چالرز فرانسیس مکنزی (C. F. Mackenzie)، به عنوان نخستین کنسول در رشت، کنسولگری انگلیس در سواحل جنوبی دریای مازندران کار خود را رسماً آغاز کرد (صفر ۱۲۷۵ / اکتبر ۱۸۵۸) (رابینو، ۱۳۶۳: ۱۴۳). به دستور لندن، وی و جانشینانش موظف بودند اقدامات دولت روسیه در دریای مازندران و قفقاز و نیز تحرکاتش در آسیای مرکزی، در مسیر مرزهای هندوستان را دائماً تحت نظر داشته باشند. بدین ترتیب هدف بریتانیا از تأسیس این کنسولگری به هیچ وجه جنبه تجاری یا حفظ منافع اتباع آن کشور را نداشت و در آینده نیز پیدا نکرد. مؤید این نکته توسعه‌نیافتگی روابط بازرگانی انگلیس با ایالات جنوب دریای مازندران، پس از تأسیس کنسولگری است. تا ۱۸۷۱م، تاجر یا تبعه‌ای از انگلیس در گیلان که در سراسر عصر قاجاریه مهم‌ترین مسیر بازرگانی خارجی کشور از طریق دریای مازندران بود، زندگی نمی‌کرد. افزون بر آن مناسبات تجاری منطقه با انگلیس نیز هیچ‌گاه گسترش نیافت.

سکوت منابع انگلیسی در مورد ارزش بازرگانی مستقیم مازندران و استرآباد با انگلیس نیز در خوش‌بینانه‌ترین شکل باید به حساب ناچیز بودن آن گذاشته شود، البته اگر چنین روابطی اساساً وجود داشت. اما کنسولگری انگلیس در ایالات جنوبی دریای مازندران، هیچ‌گاه نتوانست نقشی جدی

روسیه، کلیه امتیازات دوره تزاری لغو گردید و اشغال سرزمین‌های ایران به دست روس‌ها پایان پذیرفت.

۷. کارکردهای کنسولگری روسیه در رشت

۷-۱. کارکرد سیاسی - نظامی

۷-۱-۱. دخالت‌های کنسول روسیه در امور رشت

نماینده‌های کنسولی در رشت، تقریباً اداره امور محلی را در دست خود گرفته بودند و در امور داخلی، مداخله می‌کردند، به طوری که بر اثر مداخله و حضور و نفوذ روس‌ها در شهرها و مناطق مختلف از جمله رشت، در اصل قدرت داخلی هر محل به دست کنسولگری‌ها و قزاقان روسی متمرکز بود و این کنسول‌ها، قدرت را از حاکم شهر سلب کرده بودند (نصیری مقدم، ۱۳۷۴: ۳۳۹) و در واقع، کنسول بود که در شهر نفوذ و قدرت داشت نه حاکم شهر! از آنجا که روسیه بیش از سایر کشورها در اجرای کاپیتولاسیون در ایران اصرار داشت، لذا ایالات شمالی ایران، از جمله گیلان، محل ظهور آثار منفی کاپیتولاسیون بودند. مداخلات کنسول‌خانه به انواع مختلف صورت می‌گرفت نیکیتین در این مورد می‌نویسد: «آنها نه فقط باید در امور تبعه روس که به واسطه وجود رژیم کاپیتولاسیون از وظایف مسلم ما به شمار می‌رفت، مداخله می‌کردند بلکه می‌بایستی در کار رعایای ایران هم که تحت‌الحمایه دولت روس بودند مداخله کنند. از طرفی تبعه مسلمانان روس اغلب با زنان ایرانی ازدواج کرده بودند. در چنین مواردی قانونی در کار نبود و بنا به عادات و رسوم کنسولگری نمی‌توانست بی طرف بماند و ناچار مداخلاتی می‌کرد. یک نوع تحت‌الحمایه بودن هم توسط مشتریان بانک روس به وجود آمده بود و کنسول می‌بایستی از صاحبان املاکی که در وثیقه بانک روس بود حمایت نماید که مبادا خسارتی متوجه مالک شود. به علاوه کنسول مجبور بود که به امور راه شوسه انزلی به تهران و تصادفاتی که در آن روی می‌دهد نظارت و مراقبت داشته باشد. این امور نشان می‌دهد که قدرت و نفوذ اداری قنصل در تحت رژیم کاپیتولاسیون تا چه اندازه بوده است. عده زیادی از زنان و مردان همه روزه صبح در قنصل‌خانه ازدحام کرده و منتظر بودند تا شکایات خود را به قنصل تسلیم نمایند. این

پایتخت ایران بود که از طریق آن، کالاهای روس و ایران مبادله می‌شد و در این بندر که مدخل شمالی ایران بود همیشه حضور عامل روس، برای مراقبت از منافع تجاری روس، لازم بوده است (نیکیتین، ۱۳۵۶: ۸۵).

نفوذ سیاسی روس‌ها در گیلان، بعد از جنگ‌های اول و دوم ایران و روس، با گرفتن حق قضاوت کنسولی (کاپیتولاسیون) از دولت ایران، آغاز و با ایجاد نیروی قزاق در تهران و شهرهای شمالی، به دست افسران روس تحکیم گردید (گیلان‌نامه، ۱۳۷۱: ۳/ ۲۶۸)؛ روس‌ها بعد از جنگ دوم ایران و روسیه که به شکست ایران انجامید، قرارداد ترکمانچای را در سال ۱۲۴۳ ق / ۱۸۲۸ م با ایران امضا کردند. این عهدنامه، سلطه روسیه را بر شمال ایران تثبیت کرد. بر اساس ماده ۱۰ آن قرارداد، روس‌ها حق گشایش کنسولگری و انتصاب نماینده بازرگانی را در هر کجا که تجارت ممکن بود، به دست آوردند (لمبتون، ۱۳۶۳: ۳۳۰). بعد از انعقاد آن قرارداد، رفته رفته روس‌ها در چندین شهر ایران، از جمله رشت، کنسولگری تأسیس کردند و نمایندگان از طرف خود به عنوان کنسول در این شهرها گماردند. این کنسولگری‌ها، چندی بعد به مراکز مهمی تبدیل شد (معطوفی، ۱۳۷۴: ۲۵۵). کنسول‌ها، در آن زمان با مداخله خود در امور داخلی شهرها، در پی آن بودند که هرچه بیشتر در منطقه نفوذ کنند و بر اوضاع اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آن تسلط یابند. حضور روس‌ها در اواخر دوره قاجار در شهر رشت، بسیار چشمگیر بود. کنسول‌های روس، با نفوذی که داشتند، در امور داخلی از جمله در برخورد با مشروطه‌خواهان، وارد کردن نیروهای قزاق و به هم ریختن نظم شهر، همچنین در امور اقتصادی مثل احداث جاده و راه آهن و یا گاهی به عهده گرفتن ریاست شعبه بانک استقراضی روس در رشت و یا در زمینه‌های اجتماعی مثل تأسیس مدارس روسی مداخلات بسیاری داشتند. روس‌ها که از مدت‌ها پیش همواره در صدد بودند ایالات زرخیز شمال را تصرف کنند و به این ایالات، چشم طمع دوخته بودند (گروته، ۱۳۶۹: ۲۶۵). سرانجام به موجب قرارداد ۱۹۰۷ م با انگلیس، نواحی شمالی ایران، در محدوده نفوذ به شمار آوردند. اما با انقلاب بلشویکی اکتبر ۱۹۱۷ م

سپس تصمیم گرفت گروهی از قزاقان روسی را که در بی‌رحمی شهرت داشتند، برای قلع و قمع تشکیلات جنگل بفرستند. این نیرو نیز شکست خورد و مقداری اسب و اسلحه متعلق به آنها به دست جنگلی‌ها افتاد. فاتحان جنگل با اسراء، مخصوصاً با قزاقان اسیر ایرانی به خوبی رفتار کردند و از این رهگذر بر نیک‌نامی خود افزودند. از چشم مقامات اشغالگر روس قضیه آن‌چنان اهمیتی پیدا کرد که آفیسکوف مقامات مرکزی تهران را مجبور ساخت به طور جدی با تشکیلات جنگل روبه‌رو گردند. در نتیجه فشار و تأکید او بود که در حدود چهارهزار قزاق سواره و پیاده و توپخانه، به فرماندهی کالچوک اوف، به جنگل اعزام شد. عده‌ای از فتودال‌های محلی نظیر امیر مقتدر طالشی و برهان‌السلطنه طارمی نیز با قوای خود ستون‌های اعزامی مرکز را تقویت می‌کردند. در این جنگ شکست سختی به قوای جنگل وارد شد و عده‌ای از بهترین افراد میرزا کوچک‌خان کشته شدند. جنگلی‌ها شکست خوردند ولی قلع و قمع نشدند (گیلک، ۱۳۷۱: ۴۰-۴۲).

در این ضمن در روسیه انقلاب شد و تراز استعفا داد. دومین نخست‌وزیر دولت انقلابی روس، آکساندر کرنسکی، در ژوئیه ۱۹۱۷م به فرماندهان قوای روس، از جمله ژنرال باراتف، در ایران دستور داد که خاک ایران را تخلیه کنند و به روسیه بازگردند، خط سیر مراجعت سربازان روسی از مناطقی که تحت اشغال جنگلی‌ها بود می‌گذشت و لازم بود قبلاً قراردادی در این باره میان فرماندهان روسی و زعمای جنگل بسته شود تا عقب‌نشینی سربازان روسی به اصطکاک مسلح منجر نگردد. این قرارداد بسته شد و تخلیه ایران از قوای تزاری آغاز گردید و شهر رشت به تصرف قوای جنگل در آمد (همان: ۴۴-۵۰).

۷-۱-۳. روابط میان فرماندهان انگلیسی و افسران

سلطنت‌طلب روسیه در برابر نهضت جنگل

در ایالات جنوب دریای مازندران آخرین پرده فعالیت انگلیس با حضور نظامیان آن کشور در محدوده دریای مازندران همراه بود که از سقوط تزاریسیم در روسیه، در جنگ جهانی اول و توسعه‌طلبی لندن نشئت می‌گرفت (شاگری، ۱۳۸۶: ۱۲۰)

جمعیت را عریضه چی می‌گفتند» (نیکیتین، ۱۳۵۶: ۹۰-۹۳). ورجاوند نیز می‌نویسد: «در هر شهری که روس‌ها کنسول داشتند، افرادی به نام تبعه آن دولت در آنجا به کار تجارت و دیگر فعالیت‌ها می‌پرداختند، در صورت پیدا کردن اختلاف با ایرانیان و مسئولان ایران و انجام هر جرمی، رسیدگی به آن بر عهده کارگزاری بود و شخص کنسول و نماینده آن در حمایت از آن تبعه وارد ماجرا می‌شد» (ورجاوند، ۱۳۷۷: ۴/۱۸۲۵).

بنابراین کنسولگری روس در رشت قائم‌مقام حکومت ایران بوده است و این نتیجه آثار قضاوت کنسولی یا کاپیتولاسیون است. یکی دیگر از آثار مخرب کاپیتولاسیون تشکیل سپاه قزاق بود که توسط روسیه در ایران تشکیل شده بود و از نظر سیاسی و دیپلماسی دستورات لازم را از کنسول روس می‌گرفت و فرماندهان قزاق‌های ایران مستقیماً از سن پترزبورگ تعیین می‌شدند و حقوق خود را هم طبق دستورات سفارت روسیه از بانک استقراضی روس دریافت می‌کردند و فرمانده قزاق‌ها هم فقط از شاه اطاعت می‌کرد و مطیع وزیر جنگ ایران و یا سایر مقامات دولت نبود. کلیه افسران روس علاوه بر مواجهی که از روس می‌گرفتند، حقوقی هم از شاه ایران می‌گرفتند. این افسران در براندازی حکومت مشروطه و ایجاد استبداد صغیر نیز دخالت داشتند (شوشتر، ۱۳۱۰: ۲۸۰).

۷-۱-۲. نهضت جنگل و کنسول روس در رشت

مبارزه جنگلی‌ها به رهبری میرزا یونس رشتی معروف به میرزا کوچک، علیه نیروی‌های روسیه تزاری در ایران از اواسط جنگ جهانی اول شروع شد. آفیسکوف به حاکم رشت (حشمت‌الدوله) فشار می‌آورد که این غائله را در نطفه خاموش کند. در این تاریخ دو حزب نسبتاً مقتدر در رشت فعالیت سیاسی داشتند: حزب دموکرات و حزب اتحاد و ترقی. اغلب اعضای این دو حزب باطناً طرفدار نهضت جنگل بودند. مفاخرالملک، رئیس شهربانی رشت که از طرف روس‌ها به این سمت منصوب شده بود، داوطلب شد که شخصاً به جنگ جنگلی‌ها برود و ریشه تشکیلات آنها را بکند. این لشکرکشی به نتیجه نرسیده و خود مفاخرالملک کشته شد. کنسول روس

خراب شائومیان، رهبر ارمنی قفقاز، را که در این تاریخ در رأس یک حکومت پوشالی کمونیستی در بادکوبه قرار داشت، از نزدیک دید و به ایران بازگشت تا گزارش این وضع را به فرماندهان مافوقش برساند و از آنجا که می‌دانست سران جنگل به این آسانی به نیروهای انگلیس اجازه نخواهند داد تا از خاک گیلان (برای حمله به قفقاز) بگذرند، به فکر منهدم کردن سازمان جنگل افتاد و برای این کار راهی بهتر از ترور کردن خود میرزا کوچک‌خان به نظرش نرسید، اما عمال مخفی جنگل که مراقب فعالیت‌های مظنونش بودند، توانستند به موقع دستگیرش کنند. پس از خنثی شدن این توطئه، جنگلی‌ها به رشت حمله بردند و مک لارن ویس، کنسول انگلیس در رشت، و سرگرد اوک شات، رئیس بانک شاه‌ی رشت که به دخالت در امور محلی و اقدام علیه جنبش جنگل اشتغال داشتند، دستگیر کردند. این دو نفر سرانجام موفق به فرار شدند ولی سرگرد نوئل که او هم توانسته بود از توقیف‌گاه خود در جنگل بگریزد، دوباره دستگیر و به جنگل بازگردانده شد. در سال ۱۳۳۶ق / ۱۹۱۸م سرانجام نیروهای کمکی که فرماندهی قوای انگلیس در ایران لازم داشت، از بغداد رسید و به ژنرال پیچراف دستور داده شد به چریک‌های جنگل که در گردنه متجیل و کرانه سفیدرود متمرکز بودند، حمله کند. جنگلی‌ها شکست خوردند و به داخل جنگل عقب‌نشینی کردند. یک ماه بعد که قوای پیچراف ایران را ترک کرده و رهسپار قفقاز شده بودند، نیروهای میرزا کوچک‌خان به خیال اینکه ستون فقرات نظامی انگلیس پس از رفتن پیچراف شکسته شده است، به ۴۵۰ سرباز انگلیسی که در حومه رشت اردو زده بودند، حمله‌ور شدند و خود شهر را نیز اشغال کردند. اما این جنگ به شکست فاحش جنگلی‌ها انجامید به طوری که ناچار شدند با قوای انگلیس قرارداد آتش بس ببندند. مواد این معاهده نشان می‌دهد که وضع جنگلی‌ها در مقابل قوای انگلیس فوق‌العاده ضعیف بود (همان: ۱۸۶-۱۸۹).

۷-۲. کارکردهای اقتصادی

۷-۲-۱. مالکیت روس‌ها در رشت

روسیه در درجه نخست، علاقه‌مند به سرزمین‌های ایرانی بود تا بازاری برای کالاهای صنعتی‌اش باشد و هم

محدودیت‌ها و ملاحظات انگلیس در خاورمیانه و آسیا به زودی نشان داد که نه لندن قادر به حفظ نظامیان خود در حوضه دریای مازندران بود و نه دولت جدیدالتأسیس و انقلابی شوروی در قبال انگلیس به اتخاذ سیاستی انفعالی تمایل داشت. از همین روی راهبرد عقب‌نشینی نیروهای انگلیس از دریای مازندران و ایالات جنوب آن نتوانست مانع تهاجم نظامی شوروی به گیلان و سپس مازندران شود (۲۸ شعبان ۱۳۳۹/ ۱۸ مه ۱۹۲۰) (لنوزسکی، ۱۳۶۶: ۱۸۵).

بدین ترتیب فعالیت انگلیس در ایالات جنوب دریای مازندران که عرصه شورش و مداخلات نظامی و تبلیغات بلشویک‌ها شده بود، یک بار دیگر وجه دیپلماتیک یافت. پس از آنکه لنین، حکومت را در روسیه قبضه کرد، پیمان آتش بس را با آلمان و متحدین وی (اتریش و عثمانی و بلغارستان) امضا کرد و به تمام سربازان روسی دستور داد به کشور خود بازگردند، حتی به آنها اجازه داده شد در صورت مخالفت فرماندهان با اجرای این دستور، آنها را به قتل برسانند. بنابراین فرماندهان ارتش روسیه در ایران در وضعی ناگوار قرار داشتند. در قبال این وضع، روابطی بسیار نزدیک میان فرماندهان انگلیسی و افسران سلطنت‌طلب روسیه در ایران برقرار شد. بعد از اینکه سربازان ژنرال باراتف خاک ایران را ترک کردند، ژنرال پیچراف هم قصد داشت به روسیه بازگردد و در جنگ‌های ضدانقلابی کشورش که کم‌کم داشت شروع می‌شد، شرکت کند. ژنرال سرپرسی سایکس در تاریخ خود می‌نویسد که اگر پیچراف خاک ایران را ترک کرده بود، جنگلی‌ها به سهولت می‌توانستند قزوین را بگیرند و سپس به اتفاق نیروهای مسلح عثمانی که احتمالاً به کمکشان می‌آمدند، به سوی تهران پیشروی کنند؛ ولی ژنرال دنسترویل انگلیسی که مأموریت داشت خود را به قفقاز برساند، روس‌ها را وادار به تغییر تصمیم کرد که خاک ایران را تا رسیدن قوای کمکی انگلیس (برای حمله به قفقاز) ترک نکنند (گیلک، ۱۳۷۱: ۱۰۵-۱۱۰). در همین زمان، سرگرد نوئل، افسر سازمان جاسوسی انگلیس، مأموریت یافت به قفقاز برود و اطلاعاتی را که فرماندهی قوای بریتانیا در ایران از وضع جمهوری‌های نوبنیان آن منطقه لازم داشت، تهیه کند. این شخص به بادکوبه رفت و در آنجا وضع

نزد بازرگانان روسی، به عنوان تضمین اعتبار، سلب می‌کرد و این کار مانع توسعه تجارت بود. مسلمانان روس، بیشتر امکان دسترسی به اموال غیرمنقول داشتند، زیرا بدان جهت که سنی بودند، از نظر شرعی مانعی برای مالکیت آنها نبود و بسیاری از آنان، از طریق ارث یا خرید، مالک شدند. ولی با استفاده از قانون شرع برای مالکیت می‌کوشیدند مشکلات قضائی را با استفاده از قضاوت کنسولی حل نمایند و از هر دو امکان بهره‌ور شوند (انتنر، ۱۳۶۹: ۳۸-۳۹). در آن سال‌ها، شمار زیادی از شهروندان روس در رشت به تجارت و کسب مشغول و از طریق ایجاد خویشاوندی، در شهر و حومه، صاحب املاکی شده بودند و به خرید و فروش زمین با حاکم یا تاجران و مالکان شهر می‌پرداختند (نیکیتین، ۱۳۵۶: ۶۴). هر امتیازی که دولت ایران به روس‌ها می‌داد، فرصتی بود برای دست‌اندازی بیش از پیش روس‌ها بر اراضی که سازوکار آن، بیش از همه به دست کنسول‌های روس در سراسر نقاط ایران، به ویژه ایالات شمالی، به اجرا درمی‌آمد (لینن، ۱۳۷۶: ۹۳-۱۲۷) از جمله این قراردادها، امتیاز شیلات شمال بود که از سال ۱۸۸۸ تا ۱۹۲۵ م / ۱۳۰۶ تا ۱۳۴۴ ق، به استفان لینازف [Stephan Linazove]؛ ارمنی تبعه روس، داده شد. پیرو کسب این امتیاز طولانی مدت که تمامی سطوح آبی میان اترک تا آستارا را شامل می‌شد، تمامی سرزمین‌های مرغوب و جنگل‌های مربوط، به هر شیوه و روش ممکن تحت نظارت "اداره لینازف" خریداری می‌شد و یا به زور به تصاحب درمی‌آمد (سازمان اسناد، ش: ۲۴۰۰۵۶۱۹). همچنین خوشتاریا [Khushtaria]، یک قفقازی تبار شهروند روس، توانست امتیاز جاده‌های شمال ایران را به دست آورد و در راستای تملک بیشتر اراضی، تحت عنوان اداره خوشتاریا فعالیت می‌کرد. فعالیت‌های این شرکت آن‌چنان گسترده بود که در سال ۱۹۱۳ م مورد انتقاد شدید خزانه‌دارکل ایران، مسیو مورنارد [Mr. Mornard] قرار گرفت. زیرا خزانه‌داری کل، طالب تمرکز در اخذ مالیات، به ویژه مالیات ارضی بود که اتباع صاحب زمین روس، از آن شانه خالی کرده بودند و در همه‌جا کنسول روس از آنها حمایت می‌کرد (همان: ش

علاقه‌مند به سرزمین‌های حاصلخیز ایالت‌های مجاور دریای خزر بود تا بتواند بخشی از نیازمندی‌های خود را ارزان‌تر به دست آورد. (نورائی، آندریوا، ۱۳۸۸: ۲۲). به این ترتیب، براساس یکی از مواد عهدنامه ترکمانچای، حق مالکیت غیرمنقول را در ایران به دست آوردند و همواره در صدد بودند تا اراضی و املاکی به تصرف خود درآورند. بدین سبب کنسول‌های روس، در این شهر بسیاری از املاک و اراضی را با مقاصد مختلف، از جمله خانه برای سکونت، باغ یا ملک برای تفریح و تفرج و یا زمین‌هایی با هدف زراعت کردن شهروندان روس در آنها و هدف‌های دیگر، خریداری یا اجاره کرده بودند. بسیاری از مالکان بزرگ آن مناطق هم، در خرید و فروش آن املاک، با شهروندان روس همکاری داشتند. بدین ترتیب، شهروندان روس از این طریق توانستند صاحب املاک و ثروت فراوانی در این خطه شوند. بنابراین نه تنها حق اجاره، بلکه حق مالکیت و خرید خانه را برای سکونت، مغازه و انبار جهت نگهداری و فروش کالای خود تحصیل کردند، بدون آنکه کارگزاران و مأموران ایرانی حق ورود به ساختمان‌های آنها را داشته باشند (قائمی، ۱۳۸۶: ۷۴).

علما و روحانیون با این موضوع به شدت مخالف بودند و پادشاه قاجار و حکومت ایران را همواره در فشار می‌گذاشتند تا در برابر این حق مالکیت اراضی روس‌ها در ایران مقاومت نکنند. در آن زمان دولت مقامات محلی را تشویق می‌کرد تا از اجرای کامل آن حقی که پذیرفته بود، جلوگیری کنند، در نتیجه شهروندان روس، حتی تا اوائل قرن بیستم، تنها در حد محدود موفق به استفاده از این ماده شده بودند. حتی در سال ۱۹۱۱ م دولت ایران به مقامات ایالتی بخشنامه کرد که بیگانگان طبق شرع، حق مالکیت غیرمنقول را ندارند. بدین ترتیب، روس‌ها که در ایران تجارت می‌کردند و نیاز به زمین داشتند، یا به نام ایرانیانی که مورد اعتمادشان بودند، یا با دادن رشوه به مأموران دولتی که مالکیت غیرمنقول آنها را نادیده می‌گرفتند، منظور خود را تأمین می‌کردند. محدودیت مالکیت زمین به خودی خود تنها مشکل نبود، بلکه این محدودیت، امکان قبول قباله‌های اموال غیرمنقول را در

رشت، میرزا کوچک‌خان جنگلی نماینده به دهات و مزارع اطراف فرستاد و در آن، به دهقانان اعلام کردند که متصرفه هر زارعی از ملک، خانه و غیره، ملک خود اوست و مالک دیگری ندارد و می‌باید هر زارع و مالکی، جای اسم خود و زمین متصرفی خود را امضا کند. اما برخلاف تصور میرزا، دفترهای فرستاده به دهات و مزارع همگی برگشت خورد و حتی یک نفر از کشاورزان آن را امضا نکرده و گفته بودند که ما ملک خود را ملک ارباب خود می‌دانیم و خوردن مال ارباب غیر از تملک است و ما هرگز این کار را نمی‌کنیم؛ و زارعان از تصرف آن‌گونه املاک خودداری کردند. آنگاه میرزا کوچک‌خان، این اظهارات را با حضور " کازانف " [Kazanove]، امیرالبحر خزر و ادکف [Adkove] معاون او بیان کرد و به آنها فهماند که رعایای ایران غیر از رعایای روسیه‌اند و املاک ارباب خود را به زور تصرف نمی‌کنند (صدر، ۱۳۶۴: ۲۵۶). میرزا با این اظهارات می‌خواست به روس‌ها بفهماند که زارعان ایرانی مانند شهروندان روسی مقیم ایران نیستند که همواره در صددند املاک و مزارع را در رشت، به زور و اجبار به تصرف خود در بیاورند و یا آن املاک را اجاره و خریداری نمایند و زارع ایرانی، ملک خود را ملک ارباب خود می‌داند و بی‌جهت آن را تصرف نمی‌کند.

بنابراین، شهروندان روسیه در رشت قدرت را در دست گرفته و با مداخلات بیش از حد خود در امور داخلی، بر منطقه تسلط یافته بودند. انگلیس در برابر این اقدامات روسیه، در ایران بانک شاهنشاهی تأسیس کرد. این بانک سال ۱۸۸۹م، با سرمایه اولیه ۴ میلیون لیره استرلینگ، تأسیس شد و پس از مدت کوتاهی موفق شد امتیاز چاپ اسکناس را برای خود تحصیل کند. شعبه‌ای از این بانک در شهر رشت تأسیس شد و نمایندگان آنها برای تنظیم مبادلات بازرگانی در این شهر به سر می‌بردند (گروته، ۱۳۶۹: ۲۷۷).

۷-۳. کارکرد اجتماعی

شیوه‌های گوناگون کنسولگری روسیه برای حضور و نفوذ در بافت اجتماعی مردم ایران موضوعی درخور توجه است. روسیه برای بسط و گسترش نفوذ خود در ایران، سیاست نفوذ آرام را دنبال می‌کرد. بعد از عهدنامه ترکمانچای، نفوذ

عصر دیگری که در راستای دست‌اندازی بر املاک فعالیت چشمگیری داشت، بانک استقرایی روس (۱۸۹۱م / ۱۳۰۹ق) بود. این بانک، زمین‌های بسیاری را تصرف کرده بود (نورائی، آندریوا، ۱۳۸۸: ۲۴). روسیان، با مداخله بیش از حد خود در امور داخلی شهر، املاک بسیاری خریداری یا اجاره کرده بودند، به همین دلیل، گروهی از مردم رشت، در اعتراض به تصرفات نابجای آنان در رشت، عریضه‌ای نوشتند و از ستمکاری روس‌ها و تصرف املاکشان به دست آنها، شکایت کردند (گیلان‌نامه، ۱۳۷۱: ۳ / ۲۴۶). در اواخر قرن نوزدهم، به دلیل نیاز دربار قاجار به پول، دولت شروع به فروش خالصجات کرد و بسیاری از ملاکان بزرگ گیلان، از جمله "سردار منصور"، بیش از نیمی از املاک دولتی گیلان را خریداری کردند. او، در آن زمان بسیاری از املاک خود را به روس‌ها فروخت یا اجاره داد و شهروندان روس، در بسیاری از این زمین‌ها به زراعت و کشاورزی می‌پرداختند و کنسول روس، بر کار آنها نظارت می‌کرد. به طوری که در این زمان ملاکان گیلان بنا به سفارش روس‌ها، شروع به کاشت توتون به جای ابریشم، در زمین‌های زراعی کردند (همان: ۲۶۰-۲۶۱). این امر، نشان‌دهنده قدرت و نفوذ روس‌ها در رشت بود که به زارعان دستور می‌دادند چه محصولی بکارند! در صورتی که طبق مفاد عهدنامه ترکمانچای (۱۸۲۸م / ۱۲۴۳ق)، بیگانگان اجازه خرید اراضی کشاورزی ایران را نداشتند. عهدنامه ترکمانچای، در واقع مبنای اصلی مداخلات و تعارضات دیگر کشورها در امور ایران شد. فصل پنجم این قرارداد، بر حق شهروندان روس تنها در اجاره یا مالکیت محل سکونت و کسب و تجارت تأکید داشت (طباطبایی مجد، ۱۳۷۳: ۱۴۴). اما پس از آن، رفته رفته به دلایل مختلف محدودیت آشکار این حق نادیده گرفته شد و انواع دیگر مالکیت ارضی، از جمله باغ، مزرعه، روستا و قنات نیز، برای خارجی‌ان مجاز شد. بدین ترتیب، روس‌ها رفته‌رفته در سراسر ایران صاحب املاک وسیعی شدند؛ تا جایی که در دهه نخست قرن بیستم، میزان مالکیت روس‌ها در همه ایالات شمالی ایران، بسیار گسترده شد (نورائی، آندریوا، ۱۳۸۸: ۲۷). در حدود سال ۱۳۳۸ق / ۱۹۱۹م، در مقدمه ورود روس‌ها به

روسیه در ایران بیشتر شد و وجود اتباع روسی در شهر رشت حتی بر بافت قومی و تغییرات جمعیتی آن تأثیر داشت. مکنزی در این مورد فهرستی از اتباع روسیه ساکن در رشت ارائه می‌دهد که بیشتر آنها دارای مالکیت بودند (مکنزی، ۱۳۵۹: ۲۱). همچنین نمایندگی‌های بزرگ کنسولگری از جمله در رشت، پزشک مخصوص داشتند. این پزشک‌ها می‌کوشیدند با ارائه خدمات انسان‌دوستانه، محبوبیت روسیه را بین اهالی محل بالا ببرند. گروه می‌نویسد: «به کارکنان این نمایندگی‌ها حقوق‌های گزافی داده می‌شود تا بتوانند از زندگی لوکس و مجللی که در نظر ایرانیان نشانه قدرت و عظمت است، برخوردار شوند.»

کنسولگری روسیه برای اهداف و منافع درازمدت خود به امور فرهنگی هم توجه داشت و برای تأسیس مدارس و مؤسسات خیریه و رشوه و تطمیع مأمورین عالی‌رتبه سرمایه‌گذاری می‌کرد. روسیه می‌کوشید، با تأسیس مدارس در شهرهای مختلف از جمله رشت، زبان روسی را در ایران، رواج دهد (گروته، ۱۳۶۹: ۲۶۶-۲۷۰). انگلیس نیز به دلیل رقابتی که با روسیه داشت، می‌کوشید با تأسیس مدارس، زبان انگلیسی را در ایران رواج دهد. برای این امر هیئت‌های مبلغان مذهبی انگلیسی و امریکایی، در مدارس و بیمارستان‌های شهرهای ایران، از جمله رشت، مشغول فعالیت بودند و زبان انگلیسی را در ایران گسترش می‌دادند تا بر نفوذ انگلیسی‌ها در ایران بیفزایند (همان: ۲۷۷).

استفاده از کارکنان محلی در کنسولگری انگلیس در رشت، یکی دیگر از کارکردهای اجتماعی است که انگلیس از آن بهره می‌برد. از این افراد، میرزا ابراهیم رشتی در میان مستخدمان محلی کنسولگری جدیدالتأسیس انگلیس در رشت چهره‌ای نام‌آشناست. وی منشی اول کنسولگری بود (کاظم‌بیگی، ۱۳۸۴: ۲۰۳-۲۰۸).

بحث و نتیجه‌گیری

ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی خاص خود، همواره مورد توجه کشورهای استعمارگر از جمله روسیه و انگلستان بود. در دوره تزاری روابط با ایران براساس سیاست توسعه‌طلبی همراه با خشونت و فشار بود که نمونه بارز آن جنگ‌های اول

سن پترزبورگ را در مناطق شمالی ایران به رسمیت می‌شناخت. اما با انقلاب بلشویکی اکتبر ۱۹۱۷م روسیه، با انعقاد پیمان دوستی ایران - شوروی در ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ / اسفند ۱۲۹۹ کلیه امتیازات دوره تزاری لغو گردید و اشغال سرزمین‌های ایران به دست روس‌ها پایان پذیرفت و جایی برای حضور انگلیس در شمال ایران باقی نماند.

منابع

- آدمیت، فریدون (۱۳۶۲). *امیر کبیر و ایران* تهران: خوارزمی.
- آشوری، داریوش (۱۳۹۱). *دانشنامه سیاسی*. تهران: مروارید.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۳). *المآثر و الآثار*. به کوشش ایرج افشار. تهران: اساطیر.
- انتنر، مروین. ل (۱۳۶۹). *روابط بازرگانی روس و ایران ۱۸۲۸-۱۹۱۴*. ترجمه احمد توکلی. تهران: موقوفات دکتر محمود افشار.
- پازارگاد، بهاء‌الدین (۱۳۴۳). *مکتب‌های سیاسی*. تهران: اقبال.
- خودزکو، الکساندر (۱۳۵۴). *سرزمین گیلان*. ترجمه سیروس سهامی. تهران: پیام.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۶۴). *لغت‌نامه*. تهران: مؤسسه لغت‌نامه دهخدا.
- رابینو، لویی (۱۳۶۳). *دیپلمات‌ها و نمایندگان کنسول‌های ایران و انگلیس*. ترجمه غلامحسین میرزا صالح. تهران: تاریخ ایران.
- (۱۳۶۹). *ولایات دارالمرز ایران*. ترجمه جعفر خمایی‌زاده. رشت: بنیاد فرهنگ ایران.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره سند ۲۴۰۰۵۶۱۹، سال ۱۳۲۹-۱۳۲۷ / ۱۹۱۱-۱۹۰۹؛ شماره سند ۲۴۰۰۴۴۲۶ / ۱۳۳۳ / ۱۳۱۴.
- سپهر، میرزا محمدتقی لسان‌الملک (۱۳۳۷). *ناسخ‌التواریخ (قاجاریه)*. به کوشش جهانگیر قائم‌مقامی. تهران: امیرکبیر.
- شاکری، خسرو (۱۳۸۶). *جنبش جنگل و جمهوری شوروی سوسیالیستی ایران*. ترجمه شهریار خواجهیان. تهران: اختران.
- شمیم، علی‌اصغر (۱۳۷۰). *ایران در دوران سلطنت قاجار*. تهران: علمی.
- شوشتر، مورگان (۱۳۱۰). *اختناق ایران*. چاپ بمبئی.
- صدر، محسن (۱۳۶۴). *خاطرات صدر الاشراف*. بی‌جا: وحید.
- طباطبایی مجد، غلامرضا (۱۳۷۳). *معاهدات و قراردادهای تاریخی در دوره قاجاریه*. تهران: افشار.
- قائم، رمضان علی (۱۳۸۶). *گرگان، از ایران چه میدانم*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- کاظم‌بیگی، محمدعلی (۱۳۸۹). «روسیه، دریای مازندران و

استرآباد: گزارش تایلور تامسن وابسته نمایندگی سیاسی بریتانیا در تهران (۱۸ ربیع‌الثانی ۱۲۶۲ق / ۱۵ آپریل ۱۸۴۶)». *فصلنامه مطالعات تاریخی*. ش ۲۸.

----- (۱۳۸۴). *دریای خزر و قدرت‌های بزرگ: امپریالیزم بریتانیا (۱۳۳۵-۱۳۳۸ق)*. تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه.

گروته، هوگو (۱۳۶۹). *سفرنامه*. ترجمه مجید جلیلود. تهران: نشر مرکز.

گیلان‌نامه: «مجموعه مقالات گیلان‌شناسی (در زمینه تاریخ، فرهنگ، هنر، زبان، ادبیات و مردم‌شناسی)». م. پ. جکتاجی. (کوششگر). رشت: طاعتی. ۱۳۷۱.

گیلگ، محمدعلی (۱۳۷۱). *تاریخ انقلاب جنگل*. رشت: گیلکان.

لمبتون، آن. ک. س (۱۳۶۳). *سیری در تاریخ ایران بعد از اسلام*. ترجمه یعقوب آژند. تهران: امیرکبیر.

لنزوسکی، جورج (۱۳۶۶). *رقابت روسیه و غرب در ایران*. ترجمه اسماعیل راثین. تهران: اقبال.

لیتن، ویلهلم (۱۳۷۶). *ایران از نفوذ مسالمت‌آمیز تا تحت‌الحمایگی*. ترجمه مریم میراحمدی. تهران: معین.

مکنزی، چارلز فرانسیس (۱۳۵۹). *سفرنامه شمال*. ترجمه منصوره اتحادیه. تهران: گسترده.

ملگونوف، گریگوری والریانوویچ (۱۳۶۴). *سفرنامه ملگونوف به سواحل دریای مازندران*. تصحیح مسعود گلزاری، تهران: دادجو.

معطوفی، اسدالله (۱۳۷۴). *استرآباد و گرگان در بستر تاریخ ایران*. نگاهی به ۵۰۰۰ سال تاریخ منطقه. مشهد: درخشش.

نصیری مقدم، محمدنادر (۱۳۷۴). *گزیده اسناد دریای خزر و مناطق شمالی ایران در جنگ جهانی اول*. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

نیکیتین. واسیلی پتروویچ (۱۳۵۶). *خاطرات و سفرنامه موسیو ب*. ترجمه علی محمد فره‌وشی. تهران: کانون معرفت.

نورائی، مرتضی؛ آندریوا، النا (۱۳۸۸). «مهاجران روس و اسکان آنها در ایران اوایل قرن بیستم»، *مجله علمی- پژوهشی دانشگاه اصفهان* ۴۵ (۴)، صص ۲۱-۳۶.

ورجاوند، پرویز (۱۳۷۷). *سیمای تاریخ و فرهنگ قزوین*. تهران: نشر نی.

Abbott.K.E.Narrative of a journey from Tabreez along the shores of the Caspian sea to Tehran.1843-1844. textemanuscript. London: Archives du FO 60/108(AN).